

کارگری خپه ۱۲

کارگران
جهان
متحد
شوید!

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

ماهنامه سیاسی - خبری

شماره دوازدهم

اکتبر ۲۰۰۶

یکسال پس از آغاز بکار کارگری خپه

با شماره ی که در دسترس دارید یکسال از آغاز بکار و انتشار کارگری خپه می گذرد. با تمام مشکلات و موانعی که سر راه کارگری خپه بعنوان یک نشریه رادیکال سوسیالیستی وجود داشت این نشریه کارش را با پشتکار و تلاش جمعی دست اندرکاران و مسئولین آن با موفقیت به پایان رساند.

کارگری خپه جهت پاسخگویی به نیازهای جنبشهای سیاسی و اجتماعی و تحلیل اوضاع جاری، تاسیس شد و با هر شماره ی که بدست نشر سپرد به پختگی نسبی، البته نه تمام و کمال، دست یافت و به نیازی که در اولین شماره خود را به انجام آن متعهد ساخته بود: "این نشریه به ارزیابی و تحلیل اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری در افغانستان می پردازد. هدف از انتشار کارگری خپه بررسی مسائل از زاویه منافع و اهداف جنبش سوسیالیستی طبقه کارگراست.



بیاد انقلاب کارگری اکتبر

فهم آزاد

"ما خواهان برابری زنان کارگر و مردان کارگر هستیم، آن هم نه فقط در قانون بلکه در کل زندگی، به این خاطر لازم است زنان کارگر سهم فزایندهای در اداره عمومی و اداره امور دولتی داشته باشند." لنین
صفحه ۳

برده داری از دیدگاه کتب مقدس

حامدیوسف نظری
صفحه ۵



درنگ بر افسانه سازی ناسیونالیست های افغان

کاوه امید
صفحه ۱۰

گزارشهای کارگری

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری

یکسال پس از آغاز بکار کارگری خپه

این نشریه در جهت بسط و گسترش باورهای آزادیخواهانه سوسیالیستی تلاش می نماید و از این طریق می خواهد سهمی در تقویت جهت گیری سوسیالیستی مبارزات اجتماعی و تکامل آن ایفا نماید. پاسخ داد و فعالیت اش را بر بستر این نیازها بنا نهاد.

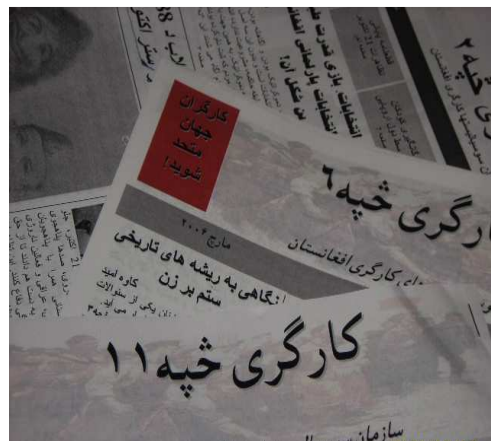
تشدید بحران سیاسی، نظامی و سرعت تحولات در افغانستان ایجاب میکرد که سازمان سوسیالیستهای کارگری سرعت و به موقع موضع و تحلیل خود در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی جاری را بیان نماید. این نشریه میبایست بشکل گسترده و وسیع و بطور منظم و در زمان معین در دسترس خوانندگان اش در افغانستان و خارج از آن قرار بگیرد.

کارگری خپه میبایست منبع و مرجعی باشد که خواننده گان آن به سهولت آخرین تحلیل و ارزیابی از وقایع و رویدادها را با تبیین سوسیالیستی در اختیار داشته باشند.

در سطح تشکیلات و امور سازمانی کارگری خپه نقش و جایگاهی را به عنوان محرک فعالیت جمعی در میان واحد های سازمانی بازی کرده است. این

نشریه در کنار نشریه تئوریک- تحقیقی عصرجدید طی فعالیت یکساله اش بعنوان ابزار مؤثر تبلیغ و ترویج، همچنین در جهت تقویت هم نظری و رشد فعالیت سازمان در عرصه مبارزات اجتماعی، کمک کرده است.

کارگری خپه در ضمن بهبود کیفیت باید در مقیاس هرچه وسیع تر و بطور منظم تکثیر شود. هرچند که اوضاع افغانستان و حاکمیت ارتجاعی حاکم و حضور گسترده نیروهای امپریالیستی زمینه فعالیت علنی را از جنبش سوسیالیستی و رادیکال ضد سرمایه داری گرفته است ولی به یمن تلاش رفقا و فعالین سازمان، کارگری خپه از آغاز انتشار اولین شماره اش بطور منظم در شهرها و مؤسسات تحصیلی کشور تکثیر و به موقع به دست مردم رسیده است. بنأ واحدها و محافل متصل به تشکیلات در داخل افغانستان در حد امکان، هرچند محدود، به امر تکثیر و توزیع نشریه کمک کرده اند.



هیئت تحریریه از رفقای که در زمینه پخش و توزیع نشریه، مخصوصاً در افغانستان، فعالند یا میخواهند باشند می خواهد که در

ضمن انجام این مأمول جهت غنای بیشتر محتوای مطالب نشریه، ما را در تهیه گزارش و مضامین دست اول کمک نمایند.

ما مصممیم که در ضمن ضمانت فعالیت مستمر، بهبود کار و ارتقاء کیفیت، این نشریه را به نشریه معتبر سوسیالیستی تبدیل کنیم. برای دست یافتن به این امر در کنار امکانات مالی به رفقای با پشتکار و دلسوزی نیاز داریم که در فکر تقویت و دامنه نفوذ آن در میان کارگران و جمع ها و فعالین جنبشهای اجتماعی باشند. هنوز با تأسف از آن مراحل فاصله زیادی داریم ولی این امر ناممکن نیست، به همت رفقا، تعهد سوسیالیستی و بسیج نیرو و امکانات سازمانی همه ی اینها ممکن و میسر خواهند بود، هرچند که کار شاق و مشکلی است ولی امکان پذیر.

با تشکر از همه ی اعضاء و فعالین سازمان سوسیالیستهای کارگری، همکاران و دوستانان نشریه و عرض تبریک یک سالگی آن، در آستانه سال دوم انتشار نشریه از همه رفقا و دوستانان کارگری خپه نشریه سیاسی-خبری سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان دعوت بعمل می آوریم تا ما را در دست یافتن به اهداف نشریه، بهبود کار توزیع و ارتقاء کیفیت آن یاری رسانند.

کارگری خپه

تل دوی د کارگری طبئی پیوستون!

بیاد انقلاب کارگری اکتبر

در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب سوسیالیستی کارگری به رهبری طبقه کارگر روسیه و بلشویک‌ها به پیروزی رسید. انقلاب اکتبر از همان آوان پیروزی مورد دشمنی آشکار بورژوازی جهانی قرار گرفت، از وحشت گسترش اکتبر های دیگر در دل کشورهای معظم سرمایه داری، بورژوازی جهانی از هیچ توطئه و تهدیدی برای بشکست کشاندن این انقلاب خودداری نکرد. بورژوازی از همان آغاز وقوع و به پیروزی رسیدن انقلاب اکتبر درباره آن دروغ گفته و تلاش نمود تا مشروعیت آن را تحت عنوان کودتا زیر سوال ببرد، انقلاب که به همت و مشارکت میلیونی کارگران و زحمتکشان سراسر سرزمین پهناور روسیه به پیروزی رسید را محافل و ایدئولوگ های بورژوازی جهانی این چنین تخطیه کردند. انقلاب اکتبر محصول مبارزات خونین و پرشور طبقه کارگر روسیه به رهبری انقلابیون بلشویک بود که سینه در سینه بورژوازی ایستادند و حاکمیت اش را نفی کردند.

انقلاب اکتبر ناقوس مرگ نظام سرمایه داری را بصدا در آورد و امکان پذیر بودن تحول اجتماعی و دست بردن به تغییرات عمیق در سطح جامعه را به میلیون‌ها کارگر و اقشار زحمتکش در سطح جهان نوید داد. انقلاب اکتبر انقلاب کارگران برای ایجاد جامعه آزاد و شگوفای انسانی، جامعه عاری از ستم و نابرابری به رهبری بلشویک‌ها بود.

اما این انقلاب در اثر محاصره اقتصادی و نظامی دول امپریالیستی، فقر و گرسنگی بازمانده از حاکمیت تزاری، جنگ داخلی از یکجانب و سیاست‌های حزب کمونیست روسیه، یعنی با تحکیم گام بگام سوسیالیسم بورژوائی تحت لوای سوسیالیسم در یک کشور و با تثبیت اقتصاد کالائی و خلع ید سوسیالیسم کارگری از جانب دیگر از اهداف اصلی اش که همانا برپائی حکومت کارگری و لغو کارمزدی باشد، دور شد و در عوض حاکمیت بروکراسی حزبی را به جای حاکمیت طبقه برقرار نمود. برای بررسی هر حرکت اجتماعی لازم است تا اشاره ی به زمینه ها و تأثیرات آن صورت گیرد، تا بتوان اهمیت و جایگاه آن حرکت اجتماعی را به روشنی مورد بررسی قرار داد. انقلاب اکتبر حرکت عظیم اجتماعی تاریخ معاصر است که

سرنوشت میلیون‌ها انسان از آن متأثر گشت. موافقین و مخالفین هر حرکتی ممکن است درباره علل و اهمیت آن باهم به جدل بپردازند، این مساله در مورد انقلاب اکتبر، چگونگی وقوع و سرانجام آن نیز صادق است.

بسیاری انقلاب اکتبر را از چنین دیدی مورد بررسی و قضاوت قرار داده و می دهند. رهبران این انقلاب، ارزشها و سرانجام آرمانهای آن مورد ارزیابی و ارزشیابی جنبشها و جریانات متعددی قرار گرفته است. و نتیجتاً این بررسی و ارزیابی، بسته به این که از جانب چه کسی و از چه جایگاه و موضع و منظری صورت پذیرفته و میپذیرد، به سرانجام های متفاوت و متضادی رسیده و می رسد.

در باره رویدادهای انقلاب اکتبر نه فقط مخالفین همیشگی این انقلاب در کمپ ارتجاع سرمایه، بلکه موافقین و "پیروان" دیروزی آن، آنهایی که تا همین دو دهه پیش قبل از شکست اردوگاه سوسیالیسم بورژوائی خود و پراتیک شان را با آرمانهای آن تعریف می کردند و سنگ افتخار تعلق به آن را به سینه می کوبیدند، مشروعیت و حقانیت استراتژی و سیاست های شان را از آن می گرفتند و دایعه سازمان دادن انقلابی با آن محتوا در محیط و جوامع که در آن فعال بودند را داشتند، ابراز نظر کرده اند. بخشی وسیع از آنان امروز اما دیگر انقلاب اکتبر و به یک تعبیر امر انقلاب و دگرگونی انقلابی جوامع را امر متعلق به گذشته، کهنه و تاریخی می دانند.



همپا با تحریف تاریخی انقلاب اکتبر از جانب بورژوازی، روشنفکران چپ قدیم که دیگر حالا از برکت پیروزی دموکراسی و سرمایه داری بازار آزاد و شکست قبله آمال شان در بلوک سرمایه داری شرق یک شبه نور معرفت بر قلوب شان تابیده و سر عقل آمده و

به بلوغ فکری رسیده اند ننتها دست به نفی لزوم انقلاب به عنوان ابزاری برای تحول تاریخ واقعی جامعه بشری زده اند بلکه امروزه بشکل تهوع آوری مجیز گوی و مبلغ نظام سرمایه داری و بازار شده اند. موقعیت کنونی این تازه اندیشان بیش از آن که بیانگر تحولات و دگرگونی های اساسی در جهان معاصر به نفع بهروزی و تکامل بشر باشد، نشانگر نفوذ آراء، ایدالها و ایدئولوژی بورژوازی در جهان معاصر است. هارترین مدافعان نظم موجود هنوز با صراحت نمی توانند مدعی شوند که جهان معاصر، جهان ایدال و مطلوبی است.

ولی بسیاری از آنهاییکه امروز دموکراسی و بازار را در تقابل با اعتقادات دیروزی شان مرجع و مطلوب یافته اند، انقلاب و دگرگونی مناسبات کنونی را امر مضر غیرلازم و عقبگرایانه می پندارند و در این زمینه گوی سبقت را از ایدئولوگها و سازماندهندگان نظم موجود ربوده اند.

فعالین چپ قدیم، بویژه نوع افغانی آن، در مسابقه لعن و نفرین به گذشته و اظهار ندامت از همتایان دیگر شان در عرصه جهان جلوتر افتاده اند، نحلّه از این چپ، کسانی که روزگار چندان دور، آنگاهی که بر اریکه قدرت لمیده بودند، داد از برابری و خوشبختی "انسان زحمتکش" می زدند، حاکمیت استبدادی، متوحش و بورژوائی شان را در بازار تحمیق و تزویر ممثل اراده زحمتکشان و ناشی از عمل انقلابی آنان جا می زدند. اما امروز پس از سقوط حاکمیت پوشالی شان علم "دموکراسی"، "رقابت آزاد" و "بازار" را به دوش گرفته و صدبار مدعی تر از ارباب در وصف و سنای کشفیات جدید شان عریبه می کشند و "پایان تاریخ" را اعلام می دارند.

وقتی حرفی از تحول و ترقی به زبان می آورند مردم و زحمتکشان را از دست بردن به انقلاب نهدی می کنند و انقلاب را معادل هرج و مرج، انقطاب و خونریزی و کشتار می دانند، و هشدار گونه مردم را به فاجعه و سرنوشتی حواله و ارجاع می دهند که خود و اربابان دیروزی و جدید شان مسبب و مهندسین اصلی آن بودند و هستند.

این حضرات فراموش می کنند که این نظام سرمایه داری است که عامل خون ریختن و به نیستی کشاندن روزانه جامعه بشری است، اینها چشمان شان را بروی حقایق آشکار تاریخی و عینی بسته اند، آنهایی که دیروز در بستر دیگری مشغول دلربائی و هم آغوشی بودند و ارزان خود فروشی می کردند امروز بر سیاق کساد بازار و نبود خریدار این چنین به درویزی افتاده اند.

بیاد انقلاب کارگری اکتبر

واقعتهای جاری جهان، نتنها بربریت کنونی در عراق و افغانستان، بلکه اساساً وجود فقر، جنگ‌های خانمانسوز و بی‌آفتی و بی‌ارزشی انسان پی‌آمد تاریخی و محصول نظام سرمایه‌داری است. میلیونها انسانی که از فقر میمیرند و دوران کودکی و ایام شباب شان را در بینوائی و تنگدستی می‌گذرانند و مورد استثمار قرار می‌گیرند، بدلیل عدم دسترسی به ابتدائی‌ترین امکانات پزشکی پریز می‌شوند و میمیرند، دست به فحشا می‌زنند و قربانی خرافاتی چون مذهب و ناسیونالیسم می‌شوند همه نتیجه بلافصل نظام وحشی و خونخوار سرمایه‌داری است.

۹۸ سال پس از انقلاب کارگری اکتبر، و حدود ۱۵ سال بعد از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم بورژوائی و پیروزی سرمایه‌داری بازار آزاد، مردم دنیای معاصر از جمله مردم در کشورهای بلوک شرق، که قرار بود به سعادت و بهروزی دست یابند، نتنها هنوز از ابتدائی و طبیعی‌ترین حقوق شان محروم اند بلکه آنچه را که داشتند نیز از دست دادند. میلیاردها انسان در سراسر گیتی علیرغم ثروت و امکانات موجود و پیشرفت‌های عظیم و خیره‌کننده علمی و تکنیکی قادر به تأمین یک وعده غذای کافی، داشتن سرپناه، دارو و درمان و آسایش شان نیستند.

اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان در ناامنی، ترس، وحشت و ناامیدی زندگی روزانه شان را سپری می‌کنند. بخش وسیع از ساکنین این جهان قربانی استثمار وحشیانه و بربریت نظام سرمایه‌داری اند. جنگ‌های براه افتاده این نظام وحشی و پادوان و مجریان اش در اقصاء نقاط جهان جهت غارت ثروت و انباشت سرمایه، ناسیونالیسم و نژادپرستی افسار گسخته، قدر قدرتی ارتجاع مذهبی و سلطه باورهای عصرحجری و مشاطه‌گری ژورنالیسم مزدور همه و همه از مردمان جهان قربانی می‌گیرد. در جهان معاصر توده‌های میلیونی کارگر که جزء فروش نیروی کار شان چیزی دیگری در بساط ندارند، مغلوب و معذوب و بی‌آفق تر از هر زمانی دیگر شاهد قدرتمند شدن بی‌حد و حصر اقلیت مقتخواری اند که هر روز بر مکتب و ثروت و اختیار شان افزوده می‌شود. وضعیت جهان

کنونی از یک نظر بیانگر رجعت بدوران بربریت نظام برده‌داری است.

کسانی که امروز مدعی اند که یگانه راه و مطلوب‌ترین نظام، نظام سرمایه‌داری است و تمام دست‌آورد های کنونی بشر را سخاوتمندانه به حساب اقتصاد بازار، دمکراسی و پارلمانتاریسم می‌گذارند، بدوا باید این را هم پذیرفته باشند و یا بپذیرند که بخش عمده محرومیت، مصائب و فلاکت بشر معاصر محصول تجربه نظام سرمایه‌داری و دمکراسی در غرب است. تجربه انقلاب اکتبر و پی‌آمدهای آن بهیچ صورت نافی عمل کرد اقتصاد سرمایه‌داری غرب نیست.



کسانی که امروز لجام گسخته در تلاش اند تا تاریخ و حافظه تاریخی مردم جهان را دست کاری کنند و حرکت نسل از بشر جهت دست یافتن و ایجاد جامعه آزاد، برابر، در خور و شایسته انسان را بسخره بگیرند و در وصف نظام سرمایه‌داری و توجیه آن مدیحه‌سرانی کنند باید کارنامه سیصد ساله نظام سرمایه‌داری را نیز به عنوان نتیجه آن یادآور شوند. اینها با تخطیه انقلاب اکتبر و الزاماً هر انقلابی تحت این عنوان که آن را با توجه به قدر قدرتی بورژوازی جهانی و قدرت عظیم سرکوب آن غیرممکن و ماجراجویی می‌دانند، می‌خواهند نظم موجود را مصنون بدارند و آن را ابدی و ازلی جلوه دهند.

آنها اما در پی کتمان یک حقیقت تاریخی هستند و توازن قوا در مبارزات اجتماعی را یک سوپه و ثابت می‌گیرند. این درست است

که در شرایط حاضر و بلحاظ تاریخی توازن قوا به نفع بورژواها بوده است. زیرا که بورژوازی بعنوان طبقه حاکم تمام ثروت و امکانات جامعه را تحت کنترل خودش دارد و به اعتبار کنترل ثروت جامعه، قدرت سیاسی را و بتبع ابزارهای سرکوب طبقاتی عم ارتش، پولیس و دستگاه تخریب و تبلیغ را در اختیار دارد. انقلاب و دست بردن به قدرت از جانب طبقه کارگر بلحاظ تاریخی هم چیزی جز تغییر و برهم زدن این توازن قوا نابرابر نبوده و نیست.

جنبش جهانی طبقه کارگر جهت تغییر و دست بردن به پارامترهای قدرت و نفی حاکمیت طبقات حاکم چیزی به جز قدرت تشکل، همبستگی طبقاتی و توان و نیروی خود ندارد.

طبقه‌ی که خالق ثروت جامعه و خود محروم از آن است و نظام نابرابر سرمایه‌داری می‌چرخد، در عین حال گورکن این نظام نیز است. ادامه در صفحه ۹

کارگری خپه در جهت بسط و گسترش باورهای آزادیخواهانه سوسیالیستی تلاش می‌نماید و از این طریق می‌خواهد سهمی در تقویت جهت‌گیری سوسیالیستی مبارزات اجتماعی و تکامل آن ایفا نماید.

انتشارمنظم، بهبود کیفیت و نشر مستمر این نشریه در گرو همکاری و کمک مادی و معنوی شماست

برای ما خبر و مقاله بفرستید، کارگری خپه را بخوانید و به دوستان تان معرفی نمایید!

برده داری از دیدگاه کتب مقدس

این فقط جمع انسانها نیستند که جامعه را می سازند بلکه این جمع زاده مناسبات اقتصادی است که بر مبنای آن اجتماع انسانی و پدیده های فرهنگی شکل میگیرند. این مناسبات خود هم علت است و هم معلول آن، یعنی آنچه که در مناسبات اجتماعی است خود پرورنده ضد خودش هم میباشد. که تاریخ در آن شکل میگیرد. بر این اساس جامعه تنها جمعی از انسان ها که بر منافع مشترک بنا شده باشد نیست بلکه از طبقات و اقشار مختلفی که دارای منافعی متضادی اند شکل می گیرد، یعنی جامعه نتیجه مناسبات طبقاتی است که انسان ها را به برده و آزاده یا دهقان و ارباب و یا کارگر و کارفرما تقسیم میکند. تضاد اجتماعی دو عامل اساسی را در مورد فرآیند تاریخ پیشکش میکنند:

از بازمانده گذشتگان به پیش می روند. زندگی انسان مثل حیوانات نیست، بلکه بر دستاورد های گذشتگان اتکا دارد. "مارکس بر این باور است، تاریخ هیچ نیست مگر توالی نسل های متفاوت که هر یک مواد، ذخیره های سرمایه ای، نیروهای تولیدی را که از نسل های پیشین به آن ها رسیده است، به کار می گیرند، و بدینسان از یک سو فعالیت سنتی را در شرایطی سرپا متفاوت ادامه می دهند، و از سوی دیگر موقعیت های کهن را با فعالیتی به طور کامل متفاوت دگرگون میکنند.



دگرگونی تنها به مناسبات اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه در نظام فرهنگی، باورها و عقاید و دیگر شیوه ها و ابزار ارتباطی انسان ها تغییر و تحول مییابد.

فرهنگ هم جزء و زاده مناسبات اجتماعی است، و همیشه دو برخورد متفاوت در قبال دگرگونی ها داشته است. هم نقش تعیین کننده و سازنده در تحولات داشته و هم انسان ها را وادار به تسلیم کرده و میکند.

درست است که اقتصاد نقش تعیین کننده دارد و شکی در آن نیست اما هر امر اقتصادی و مناسبات اجتماعی فرهنگ خود را هم دارد. و با اجرای آن پیش دآوری های را ارائه میکنند و تلاش میکنند تا جامعه و انسان ها را بخدمت آن بکشند. در دنیای ما نه فرهنگ وجود دارد و نه اقتصادی که در اجتماع انسانی و ابسطه به طبقات نباشد و ارتباط به فرهنگ آن نداشته باشد.

بر این اساس باور ها و عقاید دینی انسان ها هم زاده مناسبات اجتماعی است، برده داری هم جز از مناسبات اجتماعی است، برده را مناسبات اجتماعی در جامعه برده میسازد، از این رو میخوام اشاره مختصر به دوره ی از تاریخ بشر نمایم که در آن دوره مناسبات اجتماعی برده داری حاکم بود و ادیان بنام مظاهر روح پاک و خیرخواهی بشر ظهور کردند، پیغمبران و رسولان صلح، دوستی و عدالت الهی را جوهره باوری خویش قرار دادند. اما اینجا سوالی ایجاد میشود که در آن عصر ادیان چه نقش علیه بی عدالتی نظام برده داری در جامعه ایفا کردند. من بر این باورم، اگر یهودیت، مسیحیت و اسلام

ظهور نمی کردند، بردگان سه هزار سال پیش از امروز مناسبات غیر انسانی برده داری را ملغاء اعلام میکردند. اما ظهور موسی، عیسی و محمد که خود همه زاده همان مناسبات بودند، نه تنها که مخالفتی با این نظام نکردند بلکه با شعارهای برادری، برابری، عدالتخواهی عمر نظام برده داری را طولی کردند و روح قدسی و خدائی به آن بخشیدند و بی عدالتی را داد الهی گفتند. برده ها را تبدیل به بنده ای سر به تسلیم شده به اراده و مشیت الهی کردند. برده ها در جنگ های مذهبی لشکر خدا و غازیان شدند، و ابزاری برای بدست آوردن غنائم جنگی از دیگر برده گان و کنیزان شده، و کالای خوبی برای بازار برده فروشان. در نتیجه نظام برده داری را ادیان به رسمیت شناختند و جزء از احکام دینی بنام اطاعت از خدا و رسول اش و ولی ظالم زمان ساختند، بی اطاعتی و سرکشی را گناهی عظیمی از دستور و نعمت خداوند دانستند.

برای اثبات گفتارم، توجه شما را به آیتی چند بعنوان مشت نمونه خروار از کتب مقدس یهودیت، مسیحیت و اسلام جلب میکنم، اولاً: انتخاب به هیچ وجه ذوقی نیست، دوم: به پندار من، ذوق ورزنده متعالی و قضاوت مربوط به خواننده است، آنچه من تحریر داشتم، پرتوافکنی بر تاریکی هایی جامعه ما که در تمام تار پودش تنیده است، می باشد. که برده گی و بنده گی، غلامی و کنیزی را با شعار های برادری و برابری عدالت الهی توجیه میکنند.

گرچه نظام ظالمانه بردگی و برده داری بعد از قرن هفده در اروپا و بعداً در سراسر جهان محکوم شناخته شد و اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد بر الغاء آن صحه گذاشتند، اما کشورهاییکه به ادیان سه گانه توحیدی معتقد اند، با وجودیکه عضو سازمان ملل هستند و حقوق بشر را میپذیرند اما آنچه در کتب مقدس ذکر شده تمام قوانین، احکام و دیگر دستورات ثابت و تغییر ناپذیر الهی در هر زمان و مکانی است که انسان حق تغییر و لغو آن را ندارد. یعنی احکام و قوانینی که از لوح محفوظ بصورت دستورات ثابت و جاویدان ابلاغ شده اند. بر این اساس برده داری و بردگی در ادیان نه تنها نفی نشده بلکه در کتب مقدس بصورت قاطع مورد حمایت قرار گرفته، برای درک درست چند آیت را از کتب مقدس پیشکش شما میکنم. سفر خروج، باب بیست و یکم آیه 2-6 در تورات بصورت فرمان های دهگانه مستقیم از خداوند (یهوه) به موسی حکم شده:

برده داری از دیدگاه کتب مقدس

"اگر غلامی عبری بخری پس از شش سال نزد تو خدمت کند و سال هفتم بی قیمت بیرون رود، و اگر آقايش در این مدت زنی بدو داده باشد و آن زن پسران و دختران برایش زائیده باشد آنگاه زن و اولادش از آن آقايش باشند و آن مرد تنها بیرون رود، لیکن هرگاه غلام بگوید که هر آینه زن و فرزندان خود را دوست میدارم و نمیخواهم بدون آنها آزاد بیرون روم، آنگاه آقايش او را بحضور خداوند در معبد بیاورد دوگوش او را با درفشی سوارخ کند و او را برای همیشه بنده خود نماید" یا در باب سی و سوم آیه 25 "علوفه و چوب و بار برای الاغت، نان و کتک و کار برای بنده ات، زیرا که اگر اوسرش را بالا نگاه دارد به فرمان تو نخواهد ماند، و این یوغ و طنابی است که گردن او را خم میکند. نصیب غلام باید شکنجه و فلک باشد. اگر بنده ات فرمان تو را اطاعت نکند بیدرنگ او را به غل و زنجیر بینداز."

همینطور در انجیل مسیحی اطاعت برده گان را از اربابان خود باندازه اطاعت آنان از مسیح یک فریضه مذهبی شمرده است در رساله پائولوس رسول به افسسیان، باب ششم آیه 5 میگوید: "ای غلامان طوری با اشتیاق مطیع اربابان زمینی خود باشید که اربابان آسمانی خود مسیح را اطاعت میکنند" در رساله پائولوس رسول به تیطس، باب دوم آیه 9 میفرماید: "به غلامان بگو که در هر امر مطیع اربابان خود باشند و در باره احکام با آنان جر و بحث نکنند و آنها را همواره از خود راضی نگاه دارند"، توماس آکوینوس قدیس سرشناس مسیحی چنین فتوا میداد:

"بردگی که نتیجه گناهی است که آدم مرتکب شد، از نظر اجتماعی نظام مفید و عادلانه ای است، زیرا امری طبیعی است که گروهی کار کنند تا گروهی دیگر آزاد باشند و بتوانند از قانون خدا و از خود آنان دفاع کنند."

همچنان در قرآن مثل تورات و انجیل بر اصل برده داری تأکیدی قاطع صورت گرفته است، اما در سوره های مکی که در صدر اسلام قرائت شده، نظر به تقاضای زمان و مکان، برده داران را فقط به رفتار عادلانه نسبت به برده گان توصیه میکند. اما در سوره های مدنی نظام اجتماعی اسلام را نظر به حکم مستقیم خداوند که ناشی از اراده و مشیت خاص او است، چنین تعریف میکند. قرآن:

سوره زخرف آیه 31: "خود ما چنین خواسته ایم که کسانی را به چندین درجه برتر از دیگران قرار دهیم تا اینان را به بردگی خویش درآورند" در آیه 71 سوره نحل تأکید دیگری بر بیعدالتی خداوند میکنند، قرآن بدان صراحت بیان میدارد: "خدا رزق بعضی از بندگان خود را بر بعضی دیگر فزونی داده است، اما آنکس که رزقش افزون شده زیاده را به غلامان خود تقسیم نمیکند و اگر بکنند انکار نعمت خدا داده است" در آیه 75 سوره نحل بنده را چنین تعریف میکنند:

"آیا بنده ای که هیچ اختیاری از خود ندارد و مردی آزاد که ما به او رزق فراوان عطا کرده ایم و پنهان و آشکارا هر چه بخواهد از مال خود انفاق میکنند با هم یکسانند؟" به ادامه آن در آیه 76 همان سوره میفرماید: "و نفر مرد یک بنده ای گنگ و ناتوان که سربار مولای خویش است و از هیچ راه خیری به مالک خود نمیرساند و دیگری مردی آزاد که به عدالت امر میکند و در صراط مستقیم است، آیا این دو نفر دارای حقوق مساوی هستند؟" در آیه 27 سوره روم در این زمینه مثالی می آورد و میگوید: "این مثالی است از آنچه شما خود معمول می دارید آیا بردگان شما از آنچه ما به روزی دادیم سهم مساوی دارند و شما با آنها برابری؟ آیا شما از آنها می ترسید همچنانکه از یک دیگر می ترسید؟"



در آیات 255 و 269 و 272 سوره بقره میفرماید: "خداوند هرکه را بخواهد قدرت ادراک میدهد و هرکه را که بخواهد نمیدهد..... هرکه را که بخواهد مسلمان کند دلش را به اسلام مایل میگرداند و هرکس را هم که نخواهد دلش را در پذیرفتن ایمان سخت میکند" آیه 70 سوره بقره تأکیدی است بر طبقاتی بودن جامعه از دید قرآن: "خداوند هر کس را که خواسته باشد مشمول رحمت خود میکند و هر کس را هم که خواسته باشد به عذاب میرساند" همچنان در آیات 18-74 -

129 سوره آل عمران اکیدا تکرار میکنند: "هرکس را بخواهد دلیل میکند و هر که را هم که بخواهد عزت می بخشد."

در آیه 26 همین سوره تکراراً میگوید: "هرکس را که بخواهد فراخ روزی میکند و هر کس را هم بخواهد تنگ روزی میکند." در آیه 21 و 38 و 46 سوره نور برده بودن و آزاده بودن را خداوند بزرگ چنین خلاصه میکند: "هیچ مصیبتی به شما نمی رسد مگر به انذن خداوند". همینطور بیشتر از 50 آیت دیگر قرآن که سوره های مدنی هستند، بر یک جبر مطلق تأکید می کند که انسان را در تعیین سرنوشت اش اختیاری نیست، زندگی انسان خوب یا بد، شاه و گدا، بنده و برده و یا آزاد از جانب اوست. این سوره ها را لطفاً مطالعه نموده و با یک وجدان انسانی قضاوت نمایند: (سوره بقره آیات 20، 90، 102، 105، 142، 212، 213، 220، 247، 251، 253، 261، 284، و سوره تغابن آیات 11، 110، و در سوره آل عمران آیات 6، 13، 26، 37، 40، 47، 73، 145، 154، 179، در سوره نسا آیات 48، 49، 116، 133، در سوره مائده آیات 17، 18، 40، 48، 54، 64، در سوره رعد آیات 27، 31، 39، در سوره حج آیه 18، سوره نور آیات 35، 43، 45، در سوره محمد آیات 4 و 30 در سوره فتح آیه 14 در سوره حدید آیات 21، 22، 29، سوره دهر آیات 28، 30، 31، در سوره حشر آیه 3)

در عربستان قبل از اسلام باوجود جنگ ها و غارتگری ها غنیمت گرفتن رسمیت قانونی نداشت، بلکه دزدی و سرقت محسوب می شد و نزد اعراب شهرنشین یک عمل زشت و غیر انسانی بود. اما دین اسلام برای توسعه و انتشار خود غنیمت را بصورت پاداشی خداوندی به مجاهدین و لشکر فدا کار اسلام وعده داد که باید برای بدست آوردن آن تلاش نمایند. نظر به فرموده خداوند در این آیات، دزدی، غارت، غنیمت جزئی از احکام اسلامی قید شد. در سوره انفال آیه 69 میفرماید:

"هرآنچه را از غنایم جنگی که نصیب شما شده است بخورید که حلال و طیب شما است". در همین سوره طوریکه از نامش انفال یعنی غنیمت پیدا است، جنگ در راه خدا برای بدست آوردن غنیمت یعنی بزور مال مردم و جان مردم را غضب کردند، بیانگر آن هست، که خداوند و رسول اش هم غنیمت پروراند. انفال آیه 1: "ترا از غنیمتها پرسند، بگو غنیمتها از آن خدا و پیغمبر است". حق خداوند و رسول اش را در این آیه مبارکه چنین حکم میکنند انفال آیه 41: "بدانید که هرچه غنیمت گیرید پنج یک آن از خدا و پیغمبر و خویشان او و یتیمان و تنگدستان و براهمانده است،....."



برده داری از دیدگاه کتب مقدس

در سوره احزاب آیه 27، "خداوند سرزمین هایشان را، و خانه هایشان را، و اموالشان را و سرزمینی که بر آن تاخت نیابردید، به ارث شما داد." همچنان در سوره های مومنون آیه 6 و 49. در سوره معارج آیه 30. در سوره نسا آیه 31. در سوره قصص آیه 40. سوره نحل آیه 77. سوره روم آیه 27. سوره نور آیه 33. در این آیات رابطه جنسی با کنیزان از دیدگاه قرآن مشروع می شود یعنی برده گان و کنیزان که از طریق جنگ به غنیمت گرفته میشوند، مال و متاع قانونی مالک خود خواهند بود. مالک مجاز است که از کنیزان خود بدون توجه به اینکه مجرد و یا متهل است بدون نکاح اسلامی و ازدواج تصاحب و تصرف کند.

در عربستان قبل از اسلام شش نوع بردگی وجود داشت: 1- بردگانی که در جنگ اسیر می شد. 2- بردگانی که از طریق خرید و فروش به دست می آمد و این رقم تجارت قابل ملاحظه در آن عصر بود. 3- بردگانی که به کشت و زرع در زمین مشغول بودند اینها متعلق به صاحب زمین میشدند و همینطور با زمین خرید و فروش می شدند. 4- بردگانی که از راه برد و باخت در قمار بدست می آمدند بدین گونه که به هنگام قمار پیمان می بستند که در صورت باخت، برده شخصی که برنده شده است شوند. نظر به روایت ابن هشام ابی لهب کاکای محمد رسول خدا در یکی از قمار های خویش عاصی بن هشام را بنده خود ساخت. 5 - غلامان و بندگان بودند که از همجواری کنیزان و روابط نامشروع جنسی تولد میشدند، همه، چه دختر و چه پسر مال و متاع اربابان بودند.

6 - غلامان و بردگان بودند که به آنها موالی می گفتند. اینان برده های بودند که زمانی آزادی خود را در اثری عوامل مختلفی حاصل کرده بودند اما باز بخدمت ارباب قرار داشتند، حضرت رسول خودش هم چندی از این موالی ها مثل زید بن حارث، اسامه بن زید، شقران، بلال حبشی و تنی چند بخدمت داشت. در اینجا باید یک نکته را اضافه کنم، که نام موالی بعد از لشکرکشی های اسلامی به سر زمین های غیر اسلامی به اسیران و بردگان اطلاق میشد. این بردگان شرایط خاصی داشتند مثل یک موالی حق نداشتند جلوی اعراب فاتح حرکت کنند، یا سواره باشند، یا سربلند راه بروند.... در فقه اسلامی هم پنج نوع برده رسمیت دارد، بجز از برده قمار چون قمار در اسلام مجاز

نیست. اگر همینطور مشاهده کنیم ریشه سه نوع از این بردگان به جنگ میرسد که در اثر فتوحات اسلام انسان های آزاده را بنام خدا قرآن و رسولش به بردگی و بنده گی سوق دادند.

در صفحه 11 نهج الفصاحه از محمد بن عبدالله، ترجمه ابوالقاسم پاینده خصرت رسول میفرماید: "نماز دو کس از سرشان بالاتر نخواهد رفت، یکی برده ای که از نزد اربابش فرار کرده باشد، مگر اینکه نزد او باز گردد..." و همچنان در صفحات 241 و 251 میفرماید: "نماز سه کس پذیرفته نمی شود و الله کار نیکشان را به آسمان نمی برد: یکی بنده فراری مگر اینکه نزد صاحبش باز گردد..." و یا: "از سه کس سخن مگوی: مردی که از جماعت دوری گرفته و از پیشوای خود نافرمانی کرده و در نافرمانی مرده باشد و کنیز و یا بنده ای که از ارباب خود گریخته و در حال فرار مرده باشد..." بردگان فراری میباید در هر جا که پیدا شوند بازداشت و به صاحبان شان باز پس سپرده شوند و اگر اربابان شان پیدا نشد، برده یا کنیز فراری زندانی شود و هم اگر برده ای به چند نفری تعلق داشته باشد صاحبان حق دارند هر عملی را انجام دهند یعنی بدن وی را قسمت کنند و سهم خود را بگیرند.



اگر به جوامع که ادیان نقش تعیین کننده دارند توجه کنیم، نابرابری و بی عدالتی را زاده مناسبات اجتماعی و اقتصادی جامعه نمی داند، بلکه آنرا عدل الهی تعریف میکنند، نظام طبقاتی را فرمان خداوند ابلاغ میکنند، و می گویند سرکشی و قیام گناه عظیمی است، اطاعت از خدا و اطاعت از رسول و ولی ظالم زمان جز احکام و اصول دین شده و این

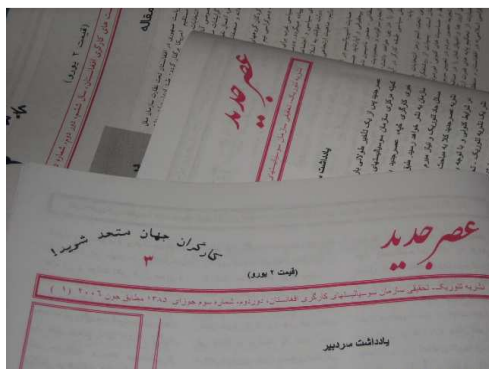
قوانین تخطی ناپذیر و دستوراتی است که بنام برادری، برابری و عدالت خداوندی با جعل و ریاکاری انسان ها را برده و بنده خود سازند. بر این اساس ادیان نه تنها پیام آور آزادی و عدل و برابری نبودند بلکه عمر برده گی و بنده گی انسان ها را طولتر ساختند و بزرگترین جنایات را به بشر و شان آدمیان روا داشتند.

انسان ها باید بیاموزند، که این رسولان و پیغمبران بیشتر از جادو گران و ساحران نبودند، ترس و وحشت در جامعه بوجود میآوردند خدا و خالق میتراشیدند و او را ناجی و نگهبان آنان قلمداد میکردند. خواهشات نفسانی خود را بنام گفتار خدا به انسان ها می قبولانند.

ای انسان بیاموز و درک کن، که این تو هستی که بت را میتراشی، آتش می افروزی و کتب مقدس را تالیف میکنی، پس تو خالق و بیاموز که یک خالق عادل و آگاه باشی.

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب چون نیک بنگری همه تزویر می کنند

(حافظ)



عصر جدید شماره سوم، دور دوم، ارگان تئوریک-تحقیقی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان به تازگی منتشر شد. جهت بدست آوردن آن به آدرس های الکترونیکی عصر جدید و کارگری خپه تماس بگیرید!

صورت ادامه اعتصاب، موقتا بیکار سازند. بدون قرارداد کار جمعی بوده اند.

اتحادیه بین المللی کارمندان خدماتی بطور کل مساله حقوق و حقوق بازنشستگی را با شفاخانه حل کرده است، لیکن، کارگران در برابر افزایش هزینه معالجات صحی، بشمول ادویه و سایر امکانات معالجوی، مقاومت میکنند. پلان جدید مسئولین این کامپلیکس درمانی، در صورت امکان، همچنان اعمال محدودیت در بدست آوردن امکانات صحی کارگران از سیستم جان مویر را در نظر دارند.

کانادا

کارگران صحی بی سی توافق اتحادیه را رد کردند

اتحادیه نرسهای بریتیش کولمبیا پس از نظرخواهی و رد قراردادی که آنها بر سر آن با کارفرما به توافق رسیده بودند از جانب کارگران اعتصابی بخش صحی زندانهای ایالتی، در 25 اگست مجبور شد تا لغو توافق و ادامه اعتصاب را اعلان کند.

علیرغم سفارش اتحادیه در ادامه معامله، رئیس این اتحادیه دبیرا مک فیرسون بدون شرمندگی اعلام کرد، "این رای گیری نشان میدهد که کارگران صحی زندانهای ایالتی ما آماده پذیرش استانداردهای نازل از بیمانکاران خصوصی را ندارند." اعتراضات در مورد معامله شامل پرداخت نامناسب پول مریضی و سایر امتیازات لازم میشود.

آسیا

داکتران هندی تقاضای پرداختها

داکتران جوان در انستیتوت طبی کارناتاکا هندوستان در هوبلی، بدلیل عدم پرداخت دستمزد های شان از دوران اعتصاب قبلی، به مدت نامعلومی دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان در برابر دفتر رئیس انستیتوت دست به راهپیمایی زدند.

انستیتوت طبی مارناتاکا از فرستادن شکایت نامه به دادگا عالی امتناع ورزیده و مدعی است که بدون دستور حکومت پولها آزاد نخواهد شد. داکتران همچنان شکایت میکنند که ادویه ضروری در شفاخانه وجود ندارد.

کارگران معادن مس چیلی دوباره بر سر کارهای شان برمیگردند

کارگران معادن مس لاسکونیدیا در شمال چیلی در هفته قبل، پس از آنکه شرکت بی ایچ پی - بیلبتون اندکی به تقاضای افزایش حقوق پاسخ مثبت داد، بکار خود برگشتند. کارگران خواهان 13% افزایش حقوق و 30000 دالر بونوس تولیدی در یک قرارداد سه ساله بودند. کارگران به 5% افزایش در حقوق و 16000 دالر بونوس تولیدی در یک قرارداد 40 ماهه نائل آمدند. 2050 کارگر معدن 25 روز در اعتصاب بودند.

چنین پیداست که در دسامبر یک اعتصاب مشتمل از ده هزار کارگر معادن مس دولتی چیلی کودیلکو، شرکت که 36% مس جهان را تولید میکند، رخ دهد. وزیر معادن چیلی، کارین پونیاچیک، هفته گذشته اعلام کرد که شرکت هزینه اضافی خود را بررسی میکند و تهدید کرد که کارگران کودیلکو نباید انتظار داشته باشند که اداره شرکت معادل توافق لاسکونیدیا را خواهد پذیرفت.

اعتصاب معلمین تظاهرات کننده در پانامه

در 30 اگست، هزاران معلم، در اعتصاب بخاطر افزایش حقوق، در شهر پاناما در اعتراض به عدم پذیرش تقاضای شان از جانب دولت، دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. آنان در برابر دفتر پرزونت مارتین توریجوس، کسیکه تقاضای افزایش 90 دالر به حقوق کارگران را نپذیرفته و آن را ناسازگار نامیده بود، دست به تظاهرات زدند.

ایالات متحده امریکا

کارگران شفاخانه کالفورنیا مدیکل کامپلیکس اعتصاب کردند

حدود 450 کارگر شفاخانه در مرکز صحی جان مویر در کونکورت کالفورنیا، در 28 اگست بمدت دو روز در اعتراض به عدم بازگشت مسئولین به پای میز مذاکره دست به اعتراض زدند. اعتصاب کنندگان که مشتمل از نرس، معاون نرس، متخصص تنفسی و سایر کارمندان صحی بودند. از اکتبر سال 2005 بدینسو کارگران شاغل این شفاخانه



امریکای لاتین

کارگران فولکس واگن "ساو پاولو" برضد اخراج کارگران دست به اعتصاب زدند

بتاریخ 29 اگست کارگران در کارخانه انچیتا "ساوپاولو" برازیل در اعتراض به اخراج 1800 کارگر توسط شرکت فولکس واگن، بخشی از پلان بازسازی جهانی شرکت فولکس واگن، دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی با استفاده از تاکتیکی که رهبران اتحادیه آنها "اعتصاب بوسیله اشغال" مینامند، بدون آنکه کاری انجام دهند بر سر کار حاضر شدند و بدین شکل به اعتصاب شان ادامه دادند. اداره فولکس واگن تماثل خود در بستن کارخانه با ادامه اعتصاب در جلوگیری از طرح شرکت را نشان داده است.

کارخانه انچیتا ظرفیت استخدام 20000 کارگر را دارا است و در حال حاضر 12000 کارگر در آن مشغول کار است. مسئولین شرکت فولکس واگن ادعا میکنند که کارخانه درین سطح از استخدام سودی در بر ندارد، و آنها کاهش قابل توجه نیروی کار تا 6000 کارگر و توقف تولیدات صادراتی را پیشنهاد میکنند. علت کاهش سود اقلام صادراتی ارزش بالای ریال برازیلی در مقایسه با پیسو ارجنتائینی عنوان میگردد. ارجنتائین از طرفهای اصلی تجارت با برازیل است.

بعلاوه تولید موتر، ساوبرناردو بخش از تولید سایر کارخانهای فولکس واگن در برازیل را نیز انجام میدهد و اداره در نظر دارد تعدادی از کارگران در کارخانهای دیگر را، در

مبارزات کارگران

واکنش در ادغام بانک در هند

کارمندان بانک لارد کریشنا در 4 سپتمبر در یک کمپین سراسری ایالتی، در مخالفت با ادغام بانک لاردکریشنا با سنتریونین بانک در مقابل دفتر اصلی در تیرووانتامپورام، کیرالا، دست به اعتراض زدند. همچنان اعتراضات مشابه در ارناکولام، کوتایام، پالاکات و کوندونگالور صورت گرفت.

کارمندان بانک لارد کریشنا ترس بیم دارند که با ادغام ایندو بانک شاخه های روستائی بانک مسدود شده، کارمندان دائمی با کارگران قراردادی تعویض گردیده و برنامه های اجتماعی و انکشافی بانک در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.

در بیانیه صادره از جانب اتحادیه یونایتد فرم بانک لارد کریشنا آمده است که تمام کارمندان و کارگران در بانک لارد کریشنا این ادغام را رد میکنند و بجای آن خواهان ادغام با بانک پولیک سکتور اند. کارگران پیشنهاد برگزاری یک اعتراض عمومی در کلیه بخشهای این بانک را کردند و از کارگران دیگر خواستند که از مبارزات آنان حمایت نمایند.

کارگران برای حفظ طرح "میددی میل" میجنگند

کارگران میددی میل در کارناتاکا در برابر دفتر معاون رئیس آموزش عمومی در میسور، در مخالفت با پلان قرارداد پروگرام میددی میل با اشخاص و مؤسسات خصوصی، دست به تظاهرات زدند.

در طرح کنونی دولت به آسپزان فقط 300 تا 650 روپیه حقوق ماهانه پرداخت میگردد و بدون هرگونه امنیت شغلی. کارگرانیکه عضو اتحادیه صنفی اند، ادعا میکنند که دولت بجای بهبود طرح، سازمانهای مذهبی را تشویق میکنند که کنترل آن را بدست بگیرند.

کارگران پانتا در رابطه با عدم پرداخت حقوق دست به اعتصاب زدند

3000 کارگران و کارمندان شاروالی و اداره

آبرسانی پانتا در ایالت بهار در پنجم سپتامبر وارد دومین روز اعتصاب خود شدند. کارگران نامبرده از ماه مارس تا حال حقوقی دریافت نکرده اند.

اداره شهرداری یا شاروالی جهت پرداخت حقوق کارگران به تخصیص مالی حکومت متکی است و هرماه بیشتر به کسر بودجه مواجه میگردد. این اداره هر ماه مجبور به پرداخت 275 میلیون روپیه جهت حقوق به کارگران است در حالیکه فقط 150 تا 200 میلیون روپیه عاید دارد.

یکی از اعتصاب کننده ها گفت: "چگونه اداره میتواند انتظار داشته باشد که ما بدون پرداخت حقوق منظم هم بتوانیم کار کنیم و هم خانواده های خود را حمایت کنیم؟ ما فکر نمیکنیم که کارگران شهری در مراکز استانهای دیگر با یکچنین برخورد بدی مواجه شده باشند."

کارگران خط آهن سریلانکا برای حقوق و مزایای شان میجنگند

حدود 10000 کارگران خط آهن، بشمول رانندگان لوکوموتیف، مراقبین، کوردیناتورها و میخانیکها از نیمه شب 4 سپتامبر دست به اعتصاب زدند. آنان خواهان تصحیح بی نظمیها در حقوق بودند. در نتیجه اعتصاب، خدمات راه آهن باضافه انتقال پست فلج گردید.

در 31 اگست، 3000 کارمندان ورکشاپهای خط آهن راتمالانا بخاطر لغو پرداختهای مشوقی در زمینه تولید دست از کار کشیدند. روز بعد پس از بازگشت به کار، کارگران ورکشاپ از انجام کار امتناع ورزیدند.



گرامی باد هشتادونهمین سالگرد انقلاب اکتبر

بیاد انقلاب کارگری اکتبر

هرچند که طبقه کارگر محروم از داشتن ابزار سرکوب قدرت طبقه حاکم، ارتشهای مجهز و تا دندان مسلح است، ولی با این وجود بزرگ ترین و نیرومندترین قدرت واقعی جهان را می سازد، قدرتی که با تشکل و کسب آگاهی توان تحول و دیگرگونی عمیق تاریخی جوامع از آن ساخته است. انقلاب اکتبر این قدرت و کاراکتر را به نمایش گذاشت و اتفاقاً تمام اهمیت انقلاب اکتبر در همین نکته نهفته است که ممکن بودن انقلاب سوسیالیستی و نفی حاکمیت نظام سرمایه داری را به بارزترین شکلی نشان داد.

انقلاب اکتبر پس از تفوق و دست بالا پیدا کردن ناسیونالیسم بورژوائی بر بستر سرمایه داری دولتی از بورژوازی شکست خورد و با تحکیم اقتصادیات کاپیتالیستی، پیروزی سیاسی طبقه کارگر نیز پس گرفته شد.

بعد از آن که یک بوروکراسی بورژوائی برمسند قدرت تکیه زد و بنام طبقه کارگر و آرمانهای انقلاب اکتبر بر جامعه شوروی حاکم شد اولین قربانیانش را انقلابیون و مبارزین سوسیالیست، مجریان و سازماندهندگان انقلاب کارگری اکتبر تشکیل می داد. و نظام سرمایه داری پس از شکست انقلاب را بدوش طبقه کارگر ولی تحت نام حکومت کارگری ساختند.

بورژوازی چه در قامت و قیافه بلوک سرمایه داری دولتی و چه در هیئت سرمایه داری بازار آزاد علیرغم بشکست کشاندن انقلاب اکتبر قادر نخواهند بود که آرمان آزادیخواهی و برابری طلبی که با انقلاب اکتبر تداعی می شود را نابود سازد. زیرا روح این انقلاب در هر انسان دردمند زنده است و در هر فغانی که او سر می دهد، عروج می کند. صف انقلاب اکتبر، صف قهرمانان و رهبران نیست.

صف مخیرین و مصلحین اجتماعی نیست. صف نابغان و خردمندان بشر نیست. صف میلیاردها کارگر و مردم دردمند و محروم این جهان است. این است که خاطره انقلاب اکتبر، هم چون پدیده ای فرای ادوار، مرزها و ملیت ها، زنده است. خاطره انقلاب اکتبر، امید زنده نگه داشته شده بشریت، امید امثال من و شما، برای خلاصی از این توحش و بربریت سرمایه داری است." (جعفر رسا)

درنگ بر افسانه سازی ناسیونالیستهای افغان

بحث پیرامون مقولات ملت، ناسیونالیسم و نژاد باوری هنوز مباحث داغ عصر و زمان ما را تشکیل میدهد. بخشی عظیمی از نخبه گان افغان، از احزاب اسلامی و نخبگان وابسته به آنها گرفته تا خیلی از چپهای سابق، در دام نژادباوری و قومپرستی دست و پا میزنند. ناسیونالیسم نژادی قلمرو اندیشه این طیف را تشکیل داده و مقوله های قوم گرایی و ملیت پرستی به مثابه ایدئولوژی "رهائیبخش" راهنمای عملشان میباشد. تاریخ نژاد باوری و هویت سازی زمانی آغاز میگردد که ما به تعریف و دسته بندی انسان بپردازیم و با قرار دادن آن در دستگاه ایدئولوژیک به ارزشهای متفاوتی برسیم. این نوع دسته بندی منجر به تولید ارزشهایی میشود که برتری یک انسان بر همنوع دیگرش را مشروعیت میبخشد.

در افغانستان در رابطه با این گونه موضوعات و بستر خلق تاریخی آن پژوهش و تحقیق صورت نگرفته است. اما ایجاد تفاوتهای عمده و بسته بندیهای کلی انسانها و پی آمد های که آنها در جامعه دارد، تاریخاً منجر به نوع ایدئولوژی برتری خواهی گروه های قومی معین و بویژه طبقات حاکم گردیده است. در افغانستان سابقه تاریخ برتری خواهی قومی سابقه طولانی داشته و منجر به کشتار و قتلهای دسته جمعی گردیده است. دهه 90 میلادی قرن گذشته را همه بخاطر دارند که چگونه احزاب و گروه های اسلامی در افغانستان با دسته بندی سیاسی قومی، مردم را به جان هم انداخته بودند و بجرم تفاوتهای رنگ و صورت و زبان میکشند و سر میبردند.

در آن شرایط عملکرد و پراکتیک سیاسی ناسیونالیستهای قومی و نژاد باور و افسانه سازی شان بر این مبانی، عملاً در خدمت نیروهای ارتجاعی قومی- اسلامی قرار داشت و در میان احزاب و دسته جات متنوع افغانستان تقسیم شده بودند. دهه 90 قرن گذشته، سالهای پس از سقوط شوروی، زمان عروج دوباره ناسیونالیسم با شاخ و برگهایش به مثابه هویتی که از بالا به پائین صادر می شد و نخبگان طبقات حاکم برای رهائی قوم، خون و نژادشان نسخه می پیچیدند. مایکل هیچر استاد دانشگاه روتنجر در نیورک در مورد این شاخص های تاریخی باری چنین نوشت:

"در گذشته که هنوز جهان دو قطبی بود، هنرپیشه های هالیوود هویت نژادی خود را پنهان میکردند و برای خود نامهای غیرنژادی می گذاشتند. فلم های والدیسنی از پرداختن به تعلقات نژادی خودداری میورزیدند. اما امروز این چیز مد روز شده است. تعلق ملی ایدئولوژی نژاد باوری و ناسیونالیستی بزرگترین نیروی سیاسی زمان ما را تشکیل میدهد. اگر یک نگاه کوتاه در جهان سالهای 1940 بیاندازیم 18 جنگ از 23 جنگ که در جهان رخداد، پایه هایش بر مبانی قومی و ناسیونالیستی استوار بود. سه دهه از جمعیت مهاجر جهان بعلل جنگهای قومی و ناسیونالیستی مجبور به ترک خانه هایشان گردیدند. هشت بخش از 13 بخش نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد مشغول حفظ نظم و جلوگیری از درگیریهای نیروهای قومی و سیاسی بوده است." (به نقل از گورو، 1994، ص. 350)



این تصویر نیز بخشی از واقعیت زندگی سیاسی امروز در جهان ما است. منازعات و جنگهای ملی همچنان تیتر اخبار و روزنامه ها را (با وصف اعلام جنگ علیه تروریسم)، تشکیل میدهند و تصویر سازی قومی انسانها کماکان محور فعالیتهای سیاسی احزاب نژاد باور و قومپرست را تشکیل میدهد. در سابق به علل محدودیت وسائل ارتباطی عرصه های عملکرد فکری فعالیتهای ناسیونالیستی محدود بود. اما امروز ناسیونالیستها از افغانستان گرفته تا سریلانکا و دیگر مناطق جهان از وسائل پیشرفته ارتباطات و وسایل تخنیکی جدید برای پیشبرد اهداف خود استفاده میکنند. به گفته منویل کاستیل:

"تکنولوژی جدید باعث تضعیف نیروی دولت میگردد و برای رشد ناسیونالیسم امکاناتی را فراهم می آورد." (کاستیل، 1997، ص. 254)

از برکت تکنولوژی ارتباطات افغانهای زیادی در خارج از کشور به انترنت دسترسی دارند.

نوع استفاده از انترنت در میان آنها متنوع است. مهمترین و داغترین مباحثی که مانند سریال تلویزیونی "گلامور" پایان ناپذیر است، همانا مباحث گرایشهای قومی و نژادی در سایت ها و چت روم های انترنت می باشد. یکی از رائج ترین وسیله طرح مباحث متنوع اتاقهای مجازی پالناک است که مورد استفاده بخشی از افغانهاست. در این اتاقها ما به انواع مباحث برمخوریم که پرداختن به همه ی آنها مثنوی هفتاد من می شود. اما مهمترین این مباحث و داغترین و جنجال برانگیزترین آنها را مقوله های قومیت، ملیت، زبان، تعلقات قومی و تاریخی تشکیل میدهد.

شکست اسلام سیاسی و مشروعیت قومپرستی در افغانستان

دهه 90 میلادی پایان و شکست الگوی افسانه رژیم اسلام سیاسی بود. اخوان به مثابه یک جریان فکری آنچه را که آرزو داشت بدست آورد و بر اریکه قدرت سیاسی تکیه زد. مقوله های را که رژیم جدید در ظرف ده سال با امکانات مادی غرب تبلیغ کرده بود و گوش مردم تاجائی با آنها آشنا شده بود وارد مرحله تطبیقی تمام عیار قرار میگرفت. افسانه عدالت اسلامی، برابری اسلامی و امت اسلامی که همه بار ایدئولوژیک داشتند و جان هزاران نفر را به خاطر احیا و تطبیق آن واژه ها و آرزوها گرفته بودند، باید برای مردم نمایش عملی میافتد. اما دیدیم که چگونه پراکتیک اسلامیسیم سیاسی در عمل منجر به تشدید بحران و جنگ داخلی شد، اسلامیسیم بعنوان نیروی اصلی در بزنگاه کارزار قدرت، قدرت بسج ایدئولوژیک اش را از دست داد و سرانجام به ناسیونالیسم قومی پناه برد و از آن کسب نیرو کرد. و ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی جاگزین اسلامیسیم سیاسی در افغانستان گردید و به جریان غالب فکری و سیاسی بدل شد.

در این پروسه زمانی جامعه افغانستان دو مسئله ناشی از یک تغییر استراتژیک در سطح تحول سیاسی را از سر میگذراند: نخست خروج نیروهای شوروی و دوم پیامد های مرگبار ایدئولوژیک آن. به این مسئله اشاره میکنم. خروج نیروهای شوروی دو پیامد سیاسی جدی را با خود در پی داشت:

1- بی اعتبار شدن اسلام سیاسی به مثابه منبع وحدت جمعی و استفاده مجاهدین از آن به عنوان ابزار سیاسی در تقابل با نیروهای شوروی سابق.



درنگ بر افسانه سازی ناسیونالیستهای افغان

2- تشدید گرایش ناسیونالیسم در میان نخبه گان مجاهدین به عنوان هسته اساسی ارزشهای مشروعیت در خلای که خروج نیروهای شوروی بوجود آورده بود.

البته مایه و مواد لازم برای آفرینش وسازماندهی این گرایشها چه در بستر تحولات اجتماعی افغانستان و چه در عرصه کارزار فکری و سیاسی نیروهای که از سالیان دراز اهداف مبارزه شان را قومیت سازی و هویت انتیکی در جامعه تشکیل میداد، وجود داشت. ستمهای تاریخی دولت مردان حاکم در افغانستان، کشت و کشتارها و ایجاد کله منارها برای حفظ قدرت و تحکیم و توسعه دولت مرکزی، پایه های مشروعیت تاریخی تفکر نژاد باورانه را در میان محافل و گروههای شکست خورده حاکم تشکیل میدهد. برای دانشپژوهان و همچنین کسانی که از این ستمهای روا شده تاریخی بهره سیاسی برده اند و دارند جهت مشارکت و سهمی در قدرت پاپوش دوزی می کنند، جای شکی باقی نیست که بستر تاریخی هویت قومی و مرجعیت اش را همین تاریخ و نتایج حاصل از آن میسازد.

تجزیه قومی حزب وطن و گستره سیاسی ساختار سازی قومی

دهه 90 میلادی بهترین موقع و مساعد ترین شرایط برای عضو گیری و قطبی ساختن عمومی جامعه در خدمت باند های مجاهدین را تشکیل میدهد. نگاه کوتاه و گذرا به این تاریخ ما را از هر نوع استدلال برای گسترش الترناتیو تازه مجاهدین بی نیاز میسازد. اسلام به دلایل که ذکر شد نتوانست حتا در همان سطح ضد خاجی بودن هم باورمندان تفنگ بدست خود را متحد بسازد. این بخش از تاریخ افغانستان یکی از جالبترین تحول تاریخ اسلام سیاسی در مرحله قدرت را تشکیل میدهد.

فروریزی حزب وطن زمینه های عضوگیری نیروهای قومی زبانی را بیشتر از قبل مساعد تر نمود و هر گروه قومی که دارای اندیشه قومگرایی بود به تقویت خود توسط اعضای جدید و بی سرپرست حزب وطن پرداخت.

اندیشه ها و افسانه های مرده است که نخبگان در تلاش برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود، به باز سازی آن میپردازند. تقسیم خونی انسانها و ژه های نا گفته و سروده های ناخوانده این آقایان را تشکیل میدهند. نقاشان که از شناخت زمان عاجزند و ته مانده احزاب فزون وسطائی دور مانده از زمان و مکان را این چنین بی مهیا و ناشیانه نشخوار می کنند و با استفاده از تاریخی ترین مقوله ها به دنبال ساختن دنیای خونی قوم و قبیله خویش هستند.

منابع:

Hechter Michael (2000) *Containing Nationalism*, Oxford
Castells Manuel (2000) *The Rise of the Network Society*, *The Information Age: Economy, Society and Culture*, Vol. I. Cambridge, MA; Oxford, UK: Blackwell (1996) (second edition, 2000)

بخشی از ناسیونالیستهای قومی که خواب و رویای خراسان بزرگ و یا آریانیای کبیر را میدیدند از بطن همین جنبشهای متضاد اجتماعی برخاسته اند. و مباحثی را که مطرح میکنند در همین راستا است. برخی تلاش میکنند تا قهرمانپرستی را بمثابه مولود و افسانه جدید سیاسی ترویج نمایند. با ایجاد و القاء قهرمانان پوشالی افسانه ای در اذهان، قهرمانانی که هنوز داغ نفرت و ددمنشی شان مو به تن شهروندان کابل و سائر نقاط کشور راست می کند و نتیجه فعالیت و "قهرمانی" شان از سنگ و چوب و گورهای دستجمعی و ویرانه های کوچه و پس کوچه های شهرها از جمله شهر کابل، پیداست، سمبل ملی و مظهر اراده جمعی قوم و قبیله بسازند. اینها کور خوانده اند مشاهدات مردم و پراتیک قهرمانان پوشالی قومی گویاتر از آن است که بتوان خاک به چشمان پاکبین مردم پاشید و وجدان های بیدار را با توسل به تفکر قومی به انکار واقعیت و عدم بیان حقیقت واداشت

بخش از افغان های نژاد باور به گونه ویژه ای برای انسانها مرز و جغرافیا تعیین میکنند. تضاد میان زندگی واقعی و اندیشه نخبه گان افغان گواه حال بریدگان از زمان و زندانیان خویش آفریده ای را میماند که جهان را در تصورشان افغانی تعریف میکنند. ناسیونالیست افغان مثلا در رابطه های انترنتی در جهان، زندگی میکند اما در دایره، محدود و محیط دهکده خودش، افغانستان بزرگ، آریانیای خیالی کبیر، خراسان با عظمت می آفریند. با شنیدن سخنرانیها، صحبتها و خواندن نوشته های آنها، انسان به این باور میرسد که گویا هستی اولین بار در افغانستان و یا خراسان و یا مخلوق و آفرینش قوم برتر و برگزیده و مقدس "آریا" بوده است. تاکید روی وژه ها و مقوله های مانند: "آریانا"، "خراسان" و "تاریخ با عظمت خراسان زمین" همه تکرار مکررات و آیات آسمانی این جماعت را تشکیل میدهد.

مباحث زبان، ملیت حقوق ملیت ها و غیره که نخبگان قوم گرای افغان در اتاقهای مجازی پالتاک به آن میپردازند، تصویر سازی از یک کشور ویران و مردم ستمزده ئی است که مدافعان اندیشه های قومی در رویا هایشان پرچم قوم و تبار خویش را بر فراز آن افراشته اند و فاشیسم شان را تحت نام فدرالیسم، وحدت ملی افغانستان و دهها مقوله ار این قبیل پنهان مینمایند. اتاقهای مجازی پالتاک سیمای غم انگیز از باز سازی کینه توزی های قومی و مشروعیت بخشیدن به

اگر مایلید طنین آزادی خواهی
و برابری طلبی در خارج و داخل
افغانستان تقویت گردد، اگر
به آزادی انسان و برابری کامل
زن و مرد اعتقاد دارید، به
سازمان سوسیالیست های
کارگری افغانستان بپیوندید!

Asre- Jadid

[Http://www.asrejadid.org](http://www.asrejadid.org)

E-Mail:

editor@asrejadid.org

Post Giro:

1034513-0

402 58 Gothenburg
Sweden

**Worker
of the
world
unite!**

Kargari Sapa 12

Workers Socialist Organization of Afghanistan
www.asrejadid.org

Monthly Political Newsletter

Issue 12

October 2006

تول تاریخ، د طبقاتی مبارزی
تاریخ دی، د زبینساک گرو او
زبینساک شوونکو طبقو
ترمنځ، دمحکومو او حاکمو
طبقو ترمنځ، د ټولنی
دتکامل په مختلفو پړاونو کی
او هم دا چی دغه مبارزه هغه
ځای ته رسیدلی ده چی
زبینساک شوونکی او ستم
شوونکی طبقه (کارگره طبقه)
نور نشی کولای زبینساک
گری
او ستمگری طبقی (پانگه
والی) جغ نه خلاصی ومومی
مگر
داچی په عین حال کی ټوله
ټولنه دتل لپاره د زبینساک او
ستم
له قید نه ورغوری
(مانفیسټ کمونیست)

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری خواهد
شد

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری خواهد
شد

کارگران، برزگران!
فرقه عظیم زحمتکشانیما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بیمصرفان جای دیگر نیست
تا کی از شیره جان ما بنوشند؟
اما امروز و فردا

چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب جاودانه خواهد درخشید

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری خواهد
شد

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری خواهد
شد

احمد شاملو بر اساس شعری از اوژن
پوتیه

بین الملل

برخیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش
تندروار می غرد
اینک! فوران نهانی ست این
بساط گذشته بروبیم
بهپا خیزید! خیل بردگان، بهپا خیزید!

جهان از بنیاد دیگرگون می شود
هیچیم کنون، «همه» گردیم!

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری
خواهد شد

نبرد نهانیست این
به هم گرد آییم
و فردا «بین الملل» طریق بشری
خواهد شد

رهاننده برتری در کار نیست
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب
خود به رهایی خویش برخیزیم، ای
تولیدگران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!
تا راهزن آنچه را که ربوده رها کند
تا روح از بند رهایی یابد

خود به کوره خویش بردمیم
و آهن را گرماگرم بکوبیم!